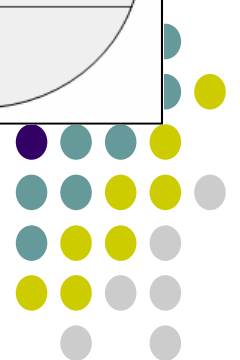
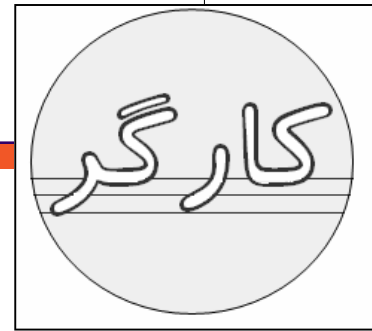


نشریه ی کارگر (سال اول - شماره ی دوم) شهریورماه ۱۳۸۶

زیر نظر شورای سردبیری - قیمت ۵۰ تومان



همبستگی طبقاتی برای آزادی محمود صالحی و منصور اسالو



جنبش کارگری و ۱۸ مرداد ۸۶

اتحادیه بیکاران در مصاحبه با جعفر عظیم زاده

گزارش خبری - تحلیلی مردادماه جنبش کارگری



۱۸ مرداد (۹ اوت) به عنوان روز اعلام همبستگی جهانی طبقه کارگر با محمود صالحی و منصور اسالو نام گذاری شد. این روز با برگزاری تجمع مقابل سفارت خانه های حکومت اسلامی در بسیاری از کشورها به عنوان نماد همبستگی جهانی طبقه کارگر اعلام شد. در سرمقاله این شماره ی کارگر به بررسی و تحلیل این روز و عملکرد جنبش کارگری در ایران می پردازیم...

در ایران پس از برخورد نیروهای امنیتی با برنامه ی سندیکای اتوبوسرانی در منزل منصور اسالو اعلام همبستگی با طبقه کارگر جهانی نه با برگزاری یک تجمع که از طریق برپایی یک گلگشت انجام گرفت.

روشن است که جنبش های اجتماعی و از آن جمله جنبش کارگری به علت سرکوب های شدید اجتماعی در مرحله ی رکود و عقب نشینی به سر می برند و برای این که این عقب نشینی از آن چه هست پس تر نرود باید اقداماتی که صورت می گیرند در حد ظرفیت های فعلی جنبش کارگری باشند و این اتفاقی بود که متأسفانه در مورد ۱۸ مرداد رخ نداد.

مهم ترین توجیه برای مخالفت با برگزاری تجمع این بود که بدنه ی کارگری وجود ندارد، و تجمع محدود با حضور فعالین کارگری فایده ای نخواهد داشت. این جواب تنها پاک کردن صورت مساله است. چرا تشکل های کارگری نتوانسته اند با بدنه ی کارگری در ارتباط ارگانیک قرار گیرند؟ مطالباتی که فعالین کارگری نمایندگی و پیگیری آن ها را به عهده گرفته اند مطالبات روزمره ی کارگران نیستند. برای کارگران مساله ی اصلی این نیست که بدانند توسط دولت یا بخش خصوصی استثمار می شوند، یا جناح بندی های درونی بورژوازی کدامند، برای آن ها افزایش دستمزد، قراردادهای موقت، بیمه بیکاری و... در اولویت قرار دارند. اما مساله مطالبات جنبش کارگری دلیل کافی برای عدم حضور بدنه ی کارگری نیست. مساله ی دیگر، عدم ارتباط ارگانیک کارگران با فعالین و تشکل های کارگری در محل کار و زندگی کارگران است که یکی از دلایل آن را می توان سرکوب دانست (اگر چه سرکوب تنها دلیل آن نیست)

روشن است که مساله ی آزادی های دموکراتیک به طور مستقیم با ایجاد، گسترش و فعالیت تشکل های کارگری و اصولاً با هر تشکلی (دانشجویی، زنان و...) گره خورده است. هنگامی که آزادی های دموکراتیک بیشتری در جامعه وجود داشته باشد تشکل های کارگری نیز امکان گسترش و فعالیت بیشتری را پیدا می کنند. اما از سوی دیگر در

جامعه ای همچون ایران که از حداقل آزادی های دموکراتیک بی بهره است، انسجام طبقاتی و وجود تشکل های کارگری است که می تواند عامل بدست آوردن آزادی های دموکراتیک باشد. مطالبات دموکراتیک و سوسیالیستی- کارگری در پیوستگی با هم قرار دارند. از سویی نمی توان تنها به پیگیری مطالبات دموکراتیک پرداخت چرا که وظیفه ی تشکل های کارگری نمایندگی مطالبات سوسیالیستی طبقه کارگر است. از سوی دیگر اگر تشکل های کارگری دغدغه ی مطالبات دموکراتیک را نداشته باشند عملاً نمی توانند به سوی تشکل یابی و نمایندگی مطالبات سوسیالیستی بروند. چرا که ارتباط با بدنه ی کارگری و تشکل یابی از طریق تحقق خواسته های دموکراتیک است که صورت می پذیرد. پس تفکیک خواسته های سوسیالیستی و دموکراتیک و مرحله بندی مکانیکی مطالبات نمی تواند راهگشای جنبش کارگری باشد. حل مشکلات پیش روی جنبش کارگری و ارتباط با بدنه ی کارگری در گرو به هم پیوسته دیدن این مطالبات است و در این صورت است که جنبش کارگری می تواند برای تشکل یابی و ارتباط با بدنه ی کارگری اقدام نماید.

در نهایت ذکر این نکته از اهمیت ویژه ای برخوردار است، که در شرایط عدم حضور بدنه ی کارگری (به هر دلیلی)، برگزاری تجمع با حضور فعالین کارگری فعلیتی در حد و اندازه ی موقعیت فعلی جنبش کارگری و امری ضروری بود. در شرایطی که جان محمود صالحی در خطر است نمی توان دست روی دست گذاشت تا روشنفکران مشفق راه حل ارتباط با بدنه ی کارگری را کشف کنند.

مساله ی دیگر سبک کار جنبش های اجتماعی و از آن جمله جنبش کارگری است. جنبش کارگری اگرچه توانسته به لحاظ نظری و استراتژیک اصلاح طلبی دو خردادی را نقد کند، اما متأسفانه هنوز ادامه دهنده ی همان سبک کار دو خردادی است و تا کنون نتوانسته است از آن گذر کند. مناسبات درونی و فعالیت های جنبش های اجتماعی در شرایط فعلی به صورت کاملاً علنی است. اما شیوه ای که امکان ارتباط و مقاومت بیشتر و گریز از سرکوب های شدید را می دهد، سبک کاری است که تلفیقی از دو شیوه ی مخفی و علنی باشد. به این معنی که نه آن چنان باز و علنی کار کنیم که به راحتی بتوان پی به برنامه ها و فعالیت ها و مناسباتمان برد و نه آن چنان مخفی که راه هرگونه ارتباط را با خود ببندیم و تبدیل به یک فرقه ی در خود شویم. بلکه با تلفیقی از این دو بتوانیم با امکان ارتباط و مقاومت بیشتری که برایمان بوجود می آید در راستای

نشریه ی کارگر (سال اول - شماره ی دوم) شهریورماه ۱۳۸۶



اهدافمان گامی به پیش برداریم.

جنبش کارگری اشاره کرد. زمینه‌ی عینی فرقه‌گرایی رکود جنبش کارگری و پایه‌های طبقاتی آن امتیازات خرده‌بورژوازی و روشنفکرانه‌ای است که بخشی از فعالین کارگری برای خود قائل هستند. جنبش کارگری زمانی به آرمان‌ها و مطالبات سوسیالیستی خود خواهد رسید که تشکل‌های کارگری وجود خود را در تضاد با دیگری تعریف نکنند. البته این مطلب به این معنی نیست که منکر اختلافات و نظرگاه‌های مختلف در جنبش کارگری شویم بلکه به این معنی است که نه با برخوردی سکتاریستی و فرقه‌گرایانه که با ریشه‌یابی عینی این اختلافات به بررسی و تحلیل آن‌ها پردازیم. در شماره‌های بعدی سعی ما بر آن است که بیشتر به این مطلب پردازیم.

مساله‌ی دیگری که در مورد سبک کار جنبش‌های اجتماعی به چشم می‌خورد مقطعی عمل کردن آنهاست. جنبش‌های اجتماعی تنها در مقاطع زمانی مشخصی فعالیت‌هایشان را به شکلی انسجام‌یافته صورت می‌دهند. البته بخشی از آن به علت شرایط معیشتی ما قابل توجیه است. اما این دلیل نمی‌تواند توجیه‌کننده‌ی کلیت این امر باشد. به دلیل همین سبک کار، جنبش‌های اجتماعی آمادگی برگزار کردن و به موقع واکنش نشان دادن نسبت به برپایی آکسیون‌ها و تجمعاتی همچون ۱۸ مرداد را ندارند و در مواجهه با این موارد است که لزوم ادامه‌ی پیگیرانه‌ی کارهایمان اهمیت پیدا می‌کند. چرا که اگر از قبل برای چنین موقعیت‌هایی آماده بودیم با مشکلاتی که این بار پیش رویمان قرار گرفتند روبرو نمی‌شدیم.

از جمله دلایل دیگری که در حمایت از طرح گلگشت و در مخالفت با تجمع ابراز شد آن بود که نهادها و اتحادیه‌های کارگری که فراخوان این روز را داده‌اند (کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری - ITUC، فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل - ITF) آمریکایی و امپریالیستی هستند و به همین دلیل پاسخ مثبت به این فراخوان پیگیری خط امپریالیستی در جنبش کارگری است. آنچه در نگاه اول توجه‌نگارنده را به خود جلب می‌کند، پاسیفیسمی است که خودش را پشت پوششی از رادیکالیسم مخفی کرده است. چرا که دیر زمانی از جنگ ۳۳ روزه‌ی لبنان نمی‌گذرد و در آن روزها شاهد آن بودیم که بسیاری از سازمانها و احزاب چپ در دنیا به دفاع از حزب الله لبنان دست زدند اما متأسفانه از گرایشی که امروز با زدن مهر آمریکایی بر اتحادیه‌ها - که از یک حرکت چپ و کارگری اعلام حمایت کرده‌اند - از برگزاری تجمع ممانعت می‌ورزد هیچ صدای اعتراضی بلند نشد. گرایشی که به این دلیل در تجمع شرکت نکرد چرا نسبت به سازماندهی حرکتی مستقل برای کمک به آزادی منصور اسالو و محمود صالحی اقدام نکرد؟ واضح است که ما هیچ توهمی به اتحادیه‌های بورژوازی جهانی نداریم اما ذکر این نکته را لازم می‌دانیم که مبارزه‌ی سوسیالیستی اگرچه در تضاد با سرمایه‌داری جهانی و امپریالیسم تعریف می‌شود اما زمانی که اعتراض و مبارزه‌اش بر مبنای دفاع از منافع طبقاتی کارگران نباشد و بدون در نظر داشتن منافع طبقاتی رو در روی امپریالیسم بایستد لاجرم به دامن ارتجاع خواهد افتاد. و در نهایت باید به مساله‌ی نفوذ سکتاریسم و فرقه‌گرایی در

گزارش خبری - تحلیلی مرداد ماه جنبش کارگری

برگزاری روز اقدام بین‌المللی در دفاع از محمود صالحی و منصور اسالو، بازداشت و صدور احکام سنگین برای کارگران و معلمان و اعتراضات کارگری در سرتاسر ایران، اخبار این ماه جنبش کارگری را شامل می‌شود که به اختصار به آن می‌پردازیم.

همبستگی جهانی در حمایت از محمود صالحی و منصور اسالو

روز دوم مرداد ماه گای رایدرو و دیوید کاکرافت دبیران کل آی.تی.یو.سی و آی.تی.اف با انتشار نامه‌ای از سندیکای کارگران شرکت واحد و تمامی اتحادیه‌های کارگری در سرتاسر جهان دعوت کردند تا طی یک حرکت اعتراضی نسبت به بازداشت محمود صالحی و منصور اسالو در برابر سفارت خانه‌های جمهوری اسلامی تجمع کنند و طومارهای امضا در اعتراض به بازداشت این دو فعال کارگری را به سفارت خانه‌ها تحویل دهند. این فراخوان با استقبال فعالان کارگری در داخل و خارج کشور مواجه شد. اتحاد بین‌المللی در دفاع از کارگران ایران، شورای همکاری تشکل‌ها و فعالین کارگری، جمعی از دانشجویان و فعالین چپ، اتحادیه‌ی سراسری کارگران اخراجی و بیکار، کمیته‌های هماهنگی، کمیته دفاع از محمود صالحی، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه و جمعی از کارگران ایران خودرو از جمله تشکل‌هایی بودند که در داخل کشور به این فراخوان پاسخ مثبت دادند. همچنین سندیکای ت.ژ.ت فرانسه هم به طور جداگانه اطلاعیه‌ای برای تجمع در مقابل سفارت خانه‌ی جمهوری اسلامی صادر کرد. افزایش فضای سرکوب و برخی عوامل دیگر موجب

نشریه‌ی کارگر (سال اول - شماره‌ی دوم) شهریورماه ۱۳۸۶



گزارش خبری - تحلیلی مرداد ماه جنبش کارگری

سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان برای معلمان خمینی شهر اشاره کرد. به همین خاطر انجمن صنفی معلمان تهران لیستی ۸۶ نفره از معلمان حکم خورده منتشر کرد. ۹ تن از معلمان استان همدان نیز در روز ۱۳ مرداد به دادگاه انقلاب احضار شدند. در زنجان هم پیمان نودینیان به ۳ ماه انفصال از خدمت محکوم شد. در مریوان، اسکندر لطفی از اعضای کانون صنفی معلمان کردستان به ۳ سال تبعید به اردبیل محکوم شد. در همدان نادر قدیمی به ۵ سال تبعید به خراسان جنوبی، یوسف زارعی به ۳ سال تبعید به ایلام و هادی غلامی به ۱ سال انفصال از خدمت محکوم شدند و یک معلم دیگر نیز حکم گرفت. علی پورسلیمان از اعضای سازمان معلمان ایران نیز به ۲ ماه تبعید به اسلامشهر و ۳ ماه انفصال از خدمت محکوم شد. ضمن این که احکام دیگری نیز با شدت کمتر برای تعداد زیادی از معلمان از سوی آموزش و پرورش صادر شد. اما خبر ساز ترین حکم، صدور حکم ۳ سال زندان برای علی رضا هاشمی دبیر کل سازمان معلمان ایران بود که نشان از جدیت حاکمیت برای ریشه کن کردن اعتراضات معلمان در سال تحصیلی جدید داشت.

صدور احکام سنگین برای کارگران

در مرداد ماه ۱۳ حکم زندان برای کارگران بازداشت شده در جریان مراسم اول ماه مه سنندج صادر شد که طی آن ۱۱ نفر به ۹۱ روز حبس تعزیری و ۱۰ ضربه شلاق محکوم شدند و شیث امانی و صدیق کریمی نیز به دو سال و نیم زندان محکوم شدند.

این احکام در ادامه ی بازداشت فعالین کارگری در ماه های اخیر در کردستان روی داد. پیش از این محمود صالحی و بختیار رحیمی در کردستان به صورت غیر قانونی بازداشت شده بودند. در تبریز نیز محمد جراحی از اعضای کمیته پیگیری و سندیکای کارگران نقاش در روز ۱۶ مرداد بازداشت شد.

از دیگر اتفاقات این ماه می توان به اعتصاب کارگران پارس حساس در عسلویه در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه از حقوق خود اشاره کرد که طی آن کارگران توانستند خواسته ی خود را به کارفرما تحمیل کنند. همچنین در این ماه ۴۰ نفر از کارگران شرکت گاما در عسلویه به خاطر اعتراضات تیرماه از کار برکنار شدند. کارگران نیشکر هفت تپه هم در این ماه با انتشار نامه ای به مجامع بین المللی (سازمان جهانی کار، سندیکای جهانی کارگری و سازمان حقوق بشر) وضعیت اقتصادی خود و همچنین خواسته های خود را تشریح کردند.

گردید که در حمایت از این طرح تجمعی صورت نگیرد و صرفا گلگشتی با حضور فعالین کارگری و دانشجویی در اطراف تهران برگزار شود. سندیکای کارگران شرکت واحد نیز در اطلاعیه ی خود از مردم دعوت کرد تا در روز ۱۸ مرداد با حضور در منزل منصور اسالو همبستگی خود را با وی اعلام کنند که این حرکت کوچک هم از سوی حاکمیت تحمل نشد و ۶ نفر از اعضای سندیکا - آقایان مددی، گوهری، رضوی، سلیمی، جابری و غلام حسینی - در ساعات اولیه ی مراجعت به منزل اسالو بازداشت و به زندان اوین منتقل شدند. در شهر کامیاران نیز گروهی از کارگران در روز ۱۸ مرداد دست به برگزاری تجمع در شهر زدند.

در این روز در بسیاری از شهرهای جهان نیز در حمایت از این دو کارگر زندانی تجمعاتی برگزار شد. که از آن جمله می توان به کشورهای ژاپن، بریتانیا، فرانسه، مصر، اندونزی، روسیه، استرالیا، آمریکا، هند، فنلاند، اردن، مالزی، پاکستان، رومانی، سوئد، بلژیک، کانادا، آلمان، نروژ و اسپانیا اشاره کرد. در این آکسیون ها کارگران عکس های منصور اسالو و محمود صالحی را حمل کردند، فعالین اتحادیه ای و همین طور فعالین چپ ایرانی در کشور های مختلف در آن ها شرکت کردند و بیانیه های صادر شده در داخل کشور از جمله بیانیه ی شورای همکاری، دانشجویان و فعالین چپ و پیام محمود صالحی و نجیبه صالح زاده به مناسبت این روز خوانده شد. این حرکت با تمام کمبودها حرکتی عملی به منظور اتحاد جهانی طبقه ی کارگر بود. حرکتی که از منطقه ای از جهان آغاز شد که مورد هجوم همه جانبه ی سرمایه داری جهانی قرار گرفته و کوچکترین حرکت کارگری در آن با سرکوب مواجه می شود. این حرکت نگاه ها را به سوی جنبشی در منطقه ی خاور میانه سوق داد که متفاوت از همه ی گرایشات ارتجاعی است و خواستار رهایی انسان از وضع موجود است.

معلمان

در مرداد ماه محمد خاکساری از اعضای انجمن صنفی معلمان ایران و مدیر مسئول نشریه ی توقیف شده ی قلم معلم به نمایندگی از تشکل های صنفی معلمان در پنجمین کنگره ی جهانی معلمان ای.آی. شرکت کرد. وی که به عنوان میهمان و برای اولین بار به نمایندگی از معلمان ایرانی در این کنگره شرکت کرده بود طی دو مرتبه به سخنرانی پرداخت. محمد خاکساری روز پنجمین ۴ مرداد به تهران بازگشت، اما برای دو ساعت در فرودگاه بازداشت شد و مورد بازجویی قرار گرفت هرچند که مشکل خاصی برای او به وجود نیامد. در این ماه احکام فراوانی برای معلمان صادر شد که از آن جمله می توان به صدور ۷ حکم از سوی هیات بدوی



همبستگی جهانی طبقه کارگر

به نمادی از تلاش برای متحد کردن طبقه کارگر و ساختن تشکل های مستقل آنان در اشکال گوناگونش باشد که این امر نه تنها به نفع کارگران ساکن در جغرافیای سیاسی به نام ایران که به نفع کل کارگران و مردم خاورمیانه و حتی جهان می باشد. چون نشان دهنده ی آن است که برای مقابله با موج روز افزون تعرض سرمایه داری جهانی به زندگی انسان ها در این منطقه و کل جهان علاوه بر آترناتیو های ارتجاعی از جنس اسلام سیاسی که در تحلیل نهایی چیزی جز پسمانده های سرمایه ی جهانی که انگل وار به آن چسبیده اند و تنها منافع بخشی از سرمایه داران را تامین می کنند نیستند، می توان به آترناتیو های انسانی که طبقه کارگر نوید دهنده ی آن است امید بست.

۴- حرکت ۱۸ مرداد با تمام کمی ها و کاستی هایش نشان داد که اتحاد جهانی طبقه کارگر یگانه راه رهایی انسان هاست. نشان داد که در خاورمیانه و ایران طبقه کارگر با وجود تمام سرکوب های خونین و شکست های دهشتناک تحمیلی در چند دهه اخیر همچنان زنده است و به مبارزه ی خود ادامه می دهد. همبستگی کارگران جهان در شهر های مختلف استرالیا، آسیا، اروپا، کانادا و آمریکا و... با اسالو و صالحی نشان دهنده ی آن بود که می توان به همبستگی جهانی کارگران امید داشت. هر چند که هنوز راه زیادی در پیش داریم. هر چند هنوز حلقه های این زنجیر همبسته محکم نگردیده است هر چند در خود ایران به خاطر شرایط سرکوب حمایت از این حرکت در تهران میسر نشد و منجر به بازداشت چندین تن از فعالان کارگری شد و تنها به یک گل گشت خارج از شهر محدود ماند و در کردستان محل کار و زندگی محمود صالحی نیز به خاطر شرایط میلیتاریزه شده آن جا تنها در شهر کامیاران حرکت و تظاهراتی صورت گرفت و ده ها اما و اگر دیگر! با تمام این وجود اکنون صدای کارگران ایران و نمایندگان این کارگران یعنی اسالو و صالحی تبدیل به صدا و نمادی جهانی گشته اند و در مرزهای تحمیلی سرمایه محدود نمانده اند.

در کارزار برای رهایی اسالو و صالحی کارگران جهان نشان دادند که با عمل آگاهانه ی جمعی خویش می توانند نوید دهنده ی ساختن جهانی انسانی باشند آن هم تنها متکی بر نیروی متحد طبقاتی خود و گرنه نه تنها در ایران و خاورمیانه، بلکه بیم آن می رود در کل جهان بربریت ارتجاعی و سرمایه دارانه حاکم گردد.

در ابتدای قرن ۲۱ است که ما ندای رزا لوگزامبورگ را که در ابتدای قرن ۲۰ فریاد می زد "یا سوسیالیسم یا بربریت" را رسا تر از گذشته می شنویم و فریاد خواهیم زد تنها سوسیالیسم!

۱- "کارگران جهان متحد شوید" مانیفست با این جمله به پایان می رسد اما درست از همین جا است که فصل جدیدی از مبارزه طبقه کارگر در سرتاسر جهان برای نقد بی امان شرایط موجود برای نفی و فراروی از جامعه ی مبتنی بر سازو کار سرمایه داری و رسیدن به یک جامعه ی انسانی تر آغاز می شود. جامعه ای که ساختن آن دقیقاً منوط بر اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران در سرتاسر جهان و رای ملیت، نژاد، قومیت، زبان، مذهب و جنسیت شان است. در این مبارزه بی امان کارگران میهن ندارند چون سرمایه و استثمار ناشی از آن نیز میهن ندارد. نظام سرمایه داری که عامل فلاکت طبقه کارگر جهانی است جز سود مرزی نمی شناسد پس مبارزه کارگران بر ضد این نظم دهشتناک نیز جز منافع طبقاتی تمامی کارگران جهان مرزی برای خود نمی شناسد.

۲- محمود صالحی و منصور اسالو به عنوان دو انسان و دو کارگری که در راه رسیدن به یک جهان انسانی تر و بهتر که در آن نان و صلح و آزادی برای تک تک انسان ها محقق شود تلاش می کردند اکنون به وسیله ی نمایندگان خلف سرمایه داری جهانی در ایران به زندان افکنده شده اند. در این شرایط با توجه به آن که منطقه خاورمیانه و از جمله ایران به یکی از حساس ترین نقاط برای دست اندازی سرمایه جهانی از یک طرف و همچنین عارضه ها و پیامد های طبیعی این رشد سرمایه دارانه که در اشکال مختلف ارتجاعی اش از جمله اسلام سیاسی تبلور پیدا می کند تبدیل گشته است می توان گفت به یکی از صحنه های جدی و نقاط کلیدی برای مبارزه جهانی طبقاتی بدل شده است. در این موقعیت اتحاد طبقاتی کارگران جهان برای آزاد کردن این دو کارگر مبارز اهمیت صد چندان پیدا می کند. زیرا امید به رهایی انسان از بند نظم سرمایه دارانه در اشکال مختلف اش تنها بستگی به مبارزه متحد طبقه کارگر در مناطق مختلف جهان و همبستگی دیگر کارگران با آن ها دارد. در خاورمیانه و به خصوص ایران این امر ضرورتی بیش از گذشته دارد.

۳- با این اوصاف و با توجه به شرایط کنونی مبارزه طبقاتی در جامعه ی ایران و با توجه به آن که متأسفانه طی دهه های اخیر عقب نشینی وسیعی از طریق سرکوب خونین توسط نمایندگان سرمایه داری جهانی به کارگران ایران تحمیل گشته است "تشکل یابی طبقه کارگر" به عنوان ضروری ترین ابزار کارگران برای رسیدن به خواسته های خودشان مطرح است. صالحی و اسالو نیز به جرم متحد کردن کارگران در محل کار و زندگی شان حول تشکل های مستقل کارگری (حال به هر شکل و عنوانی) به وسیله ی حاکمیت سرمایه داری که رنگ و لعاب بومی (ملی و اسلامی) بر خود دارد به زندان افتاده اند و تلاش برای آزادی این دو تن می تواند تبدیل



مصاحبه با جعفر عظیم زاده (فعال کارگری)

مصاحبه گر: رحمت کریمی

متنی که می خوانید فاصله ای از مصاحبه ی نشریه ی کارگر با آقای عظیم زاده عضو هیئت موسس اتحادیه کارگران افرابی و بیکار است.

کارگر: چرا اتحادیه به اسم اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار

تاسیس شد؟

دلایل مختلفی برای این کار وجود داشت یکی از این دلایل موج اخراج کارگران بود که از چند سال پیش آغاز و در اوایل سال ۸۵ به اوج خود رسید، در همان اوایل سال ۱۳۸۵ دستمزدها دوگانه شد. دست مزد کارگران موقت ۳۰ هزار تومان از دست مزد کارگران رسمی بالاتر گرفته شد و همین مسئله بهانه ای شد در دست کارفرماها تا طبق آمار منتشر شده ۲۰۰ هزار کارگر را از کار بیکار کند. این مسئله در سال های پیش هم وجود داشت به ویژه در سال ۱۳۷۵ که به عنوان مثال می توان به کارگران نساجی اشاره کرد. البته این تعداد کارگر هیچ زمان مازاد نیروی کار نبودند بلکه با اخراج آن ها کارشان را بر روی دوش دیگر کارگران می انداختند. که این امر موج جدید اخراج کارگران انگیزه ای شد برای ایجاد اتحادیه.

در جنبش کارگری ایران چند معضل جدی وجود دارد: اخراج کارگران، تعویق دستمزدها، پایین بودن دستمزدها و ممنوعیت ایجاد تشکل از جمله این معضلات است و چون اخراج یکی از مسائل اساسی بود و هیچ جا هم هیچ گونه دفاعی از کارگر نشده است ما لزوم ایجاد این تشکل را احساس کردیم.

در عین حال لزوم ایجاد تشکل در تمام کارخانه ها حس می شد مهمتر از این اتحادیه، ایجاد تشکل در ایران خودرو، شرکت نفت، پتروشیمی و ذوب آهن است که در ابتدا کارگران با ایجاد تشکل در محل کار خودشان اجازه ندهند کسی اخراج شود. اما با توجه به شرایط موجود و وجود حراست در کارخانه ها که به محض شنیدن کوچکترین صدای اعتراض از سمت کارگر، کارگر را اخراج می کنند، ایجاد تشکل بسیار سخت است. با توجه به این مسائل ما دیدیم که می شود این اتحادیه را تاسیس کرد که از یک طرف در پاسخ به وضعیتی که کارگران با آن مواجه اند باشد و از طرف دیگر به عنوان یک نقطه ممکن (که می شود تشکل کارگری ایجاد کرد) قدمی برداشته باشیم.

بحث ها پیرامون ایجاد تشکل در اوایل سال ۱۳۸۵ در گرفت. در خرداد ماه با کارگران نساجی به ویژه کارگران نساجی کردستان و شاهو که جزء

کارگران اخراجی بودند و به همین واسطه در ایجاد این اتحادیه پیش قدم بودند صحبت هایی را داشتیم تا آذر ماه که هیئت موسس را اعلام کردیم و در ۲۴ فروردین اولین مجمع عمومی بر گزار شد و به عنوان اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار اعلام موجودیت کردیم.

کارگر: موانع و معضلاتی که در راه ایجاد این اتحادیه وجود داشت

و معضلاتی که مانع گسترش هر چه سریع تر این اتحادیه می

شوند چیست؟

با توجه به پیشینه تاریخی و ساختار اقتصادی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران تشکل یابی کارگران بسیار کار سختی است. کارگر برای مبارزه تصمیم نمی گیرد کارگر به خاطر شرایط اقتصادی، خود به خود در کشمکش دائمی با کارفرما قرار دارد و تا زمانی که تشکل منفعتش را تامین نکند به سمت تشکل نمی رود. کارگر با دانش و سواد و بر طبق آگاهی تصمیم بر ایجاد تشکل نمی گیرد، تشکل در چرخه زندگی کارگر و بر اساس منفعتی که در چرخه زندگی برای کارگر ایجاد می کند شکل می گیرد.

در ایران نیز به ویژه به خاطر سرکوبی که از دهه شصت وجود داشته و مانع پیشرفت و گسترش تشکل ها و احزاب کارگری شده، کارگر نتوانسته به این واقعیت پی ببرد که تشکل تامین کننده منفعت اوست. از طرفی ما نیز با چنین سرکوبی مواجه بودیم برای مثال زمانی که ما این جلسات را حول ایجاد تشکل برگزار می کردیم، اطلاعات تماس گرفت و گفت حق برگزاری جلسه در منزل را ندارید البته ما این جلسات را ادامه دادیم و اطلاعیه نیز روی سایت شورا پیرامون این موضوع درج کردیم. این ها مجموعه ای از موانع بود که بر سر راه ایجاد این اتحادیه وجود داشت.

معضلاتی نیز وجود دارد که مانع گسترش این اتحادیه و تبدیل آن به یک تشکل متعارف کارگری می شود. یکی از این مشکلات دستگیری همکاران ما در اول ماه می بود، ۱۳ نفر را دستگیر کردند که ۳ نفر عضو هیئت مدیره بودند. آقای امانی رئیس هیئت مدیره آقای خالد سواری نایب رئیس هیئت مدیره و آقای کریمی عضو هیئت مدیره بودند. ما بقی کارگرانی بودند که در مراسم شرکت کرده بودند. با مشکلات مالی که داشتیم باید خانواده این دوستان رو تامین می کردیم وکیل برای دوستان می گرفتیم و هزینه وکلا را نیز تامین می کردیم. خب در اولین روزهای تولد این اتحادیه ما با این چالش مواجه بودیم و تا همین اواخر نیز با این قضیه درگیر بودیم. مشکلات مالی نیز یکی دیگر از مشکلات جدی

نشریه ی کارگر (سال اول - شماره ی دوم) شهریورماه ۱۳۸۶



مصاحبه با جعفر عظیم زاده (فعال کارگری)

منصور اسالو تا به حال انجام داده چیست؟ و عملکرد اتحادیه در مورد روز اقدام جهانی برای آزادی محمود صالحی و منصور اسالو چیست؟

ما تا الان به صورت اطلاعیه و نامه نگاری با سازمان های کارگری حمایت خود را از محمود صالحی اعلام کردیم البته در مورد آقای اسالو هنوز کاری انجام نداده ایم که در حال حاضر اتحادیه مشغول انجام آن است. ولی در رابطه با آقای صالحی اتحادیه مبلغی حدود ۶۰۰ هزار تومان جمع آوری کرده و به خانواده ی محترم آقای صالحی رسانده.

ما برای آقای صالحی در پی برگزاری تجمع بودیم که متأسفانه به دلایلی که من نمی دانم، دوستان نزدیک آقای صالحی علیرغم دو یا سه بار مراجعه ما با این کار مخالفت کردند. قصد ما آزادی آقای صالحی است که این موضوع مستلزم این است که فشار زیادی از سمت تشکل ها به وضعیت موجود وارد شود.

خوشبختانه در حال حاضر کنفدراسیون اتحادیه کارگری و فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل روز ۱۸ مردا (۹ آگوست) را روز اقدام جهانی برای آزادی محمود صالحی و منصور اسالو اعلام کرده اند و ما به عنوان اولین تشکل کارگری نامه نوشته و حمایت خود را اعلام کرده ایم.

و در اتحادیه این بحث مطرح است که اگر آقایان صالحی و اسالو تا آن روز آزاد نشدند تجمع وسیعی را ترتیب ببینیم و البته من به عنوان یک عضو در اتحادیه فکر می کنم باید این کار حتی با ۲۰۰ نفر هم نیز انجام شود. امیدواریم که بتوانیم در آن روز همانند طبقه جهانی کارگر کار شایسته ای برای آزادی این دوستان انجام بدهیم.

ماست از لحظه تشکیل اتحادیه ما به دنبال این بودیم که تهران و سنندج دفتر بگیریم که مشکلات مالی به ما اجازه نداد. از جاهای زیادی با ما تماس گرفته شد مانند عسلویه، شهر صنعتی قزوین، کرمانشاه و سنندج که ما باید می رفتیم ولی متأسفانه موفق نشدیم. صرف نظر از سرکوب و چالشی که برای ما ایجاد شد، نبود امکانات مالی مهمترین مانع گسترش اتحادیه بود..

کارگر: راه کارهای که مد نظر شماست برای تبدیل این اتحادیه به یک اتحادیه سراسری که همه جا پایگاه داشته باشد چیست؟

کارگر آمادگی ایجاد تشکل و پیوستن به تشکل کارگری را دارد. ما الان بیشترین فعالیت را روی سایت ها و مصاحبه با برخی رادیوها انجام می دهیم. اگر ما را با چالش های دیگری مواجه نکنند به لحاظ جو سرکوب که الان وجود دارد و از طرف دیگر ما امکانات مالی را بالا ببریم و کارگران از اتحادیه حمایت مالی کنند تا بتوانیم چند جا برای اتحادیه دفتر بگیریم در عرض چند ماه به بسیاری از مشکلات فایق آمده و به یک تشکل کارگری متعارف بدل می شویم.

کارگر: کارهایی که اتحادیه تا بدین جا موفق به انجام آن ها شده چه در مورد عموم کارگران و چه در مورد کارگران اخراجی و بیکار چیست؟

ما به دلیل چالش های که با آنان مواجه بودیم فرصت نکردیم بسیاری از کارها که مد نظرمان بود را انجام دهیم همان طور که گفتیم ما دو هفته اول را درگیر سازماندهی اول ماه مه بودیم و یکی از کارهای مهم اتحادیه برگزاری اول ماه مه بود. ما در سنندج فراخوان دادیم علی رغم اینکه بسیاری از دوستان به دنبال مجوز بودند و موفق به گرفتن مجوز هم نشدند ما قبل از اقدام برای مجوز فراخوان دادیم و اعلام کردیم بدون مجوز هم این مراسم را برگزار می کنیم. این مهمترین کار ۱۵ یا ۱۶ روز بعد از ایجاد اتحادیه بود. ضمناً کارهای دیگری نیز از سمت اتحادیه صورت گرفت مانند انعکاس اخبار کارگری، حمایت از اعتراضات کارگری و ...

البته هنوز به مرحله ای نرسیده ایم که اجازه ندهیم کارگر را اخراج کنند یا کارگران اخراجی را به سر کار بازگردانیم و من فکر می کنم اگر به این مرحله نرسیم یعنی کاری نکرده ایم، این کار اصلی ماست.

کارگر: کارهایی که اتحادیه در رابطه با آقای محمود صالحی و



بازتاب های شماره ی اول نشریه کارگر

وبلاگ تجدیدنامه: اولین شماره نشریه اینترنتی "کارگر" که ظاهراً توسط جریان "چپ کارگری دانشجویی" منتشر میشود، در فضای مجازی انتشار یافت. **کارگر:** نشریه ی کارگر تریبون جریان چپ کارگری نیست.

از گردانندگان سایت های اینترنتی سایت خانه ی کارگر آزاد، سایت پیام، وبلاگ اخگر، سایت سلام دموکرات، سایت کارگران ایران، وبلاگ چپ کارگری، سایت کارگری افق روشن، سایت کارگر امروز، سایت لاج و، سایت www.awier.com، وبلاگ کلنگ، وبلاگ حقوق بشر، سایت آزادی بیان، وبلاگ انجمن صدای کاوه ها که به انتشار نشریه ی کارگر کمک کردند تشکر می کنیم.

همچنین خواستار تلاش برای آزادی سهیل آصفی هستیم. رفیق

دربندی که از طریق وبلاگش به انتشار نشریه ی کارگر کمک کرد.



نامه های رسیده

نفوذ لیبرالیسم در جنبش کارگری مقابله کرد اما ذکر این نکته را لازم می دانیم که نمی توان تمام زوایای استراتژی یک نشریه را در یک مقاله آورد، در شماره های آتی به این موضوع خواهیم پرداخت. علاوه بر آن شعار "پیش به سوی تشکیل سندیکاها کارگری" به صورت مستقیم از پلاکاردهای روز جهانی کارگر در ورزشگاه شیرودی آورده شده است. البته از آن جا که در مقاله های دیگر شماره ی اول به نقد سندیکالیسم پرداختیم معتقدیم که به صورت یک سویه از سندیکا دفاع نشده است. البته به دلیل اهمیت موضوع تشکل یابی در مبارزه ی کارگران ایران در شماره های آتی مواضع خود را به صورت شفاف تری ارائه خواهیم کرد.

سعید: با سلام اصلاح طلب شدن اسالو احتمالا به دلیل این نیست که او می خواهد با حکومت بسازد احتمالا به این دلیل است که توده ی کارگری نمی تواند و حاضر نیست بیش از این هزینه بدهد یک ماه کار نکردن کارگر یعنی گرسنگی خود و خانواده اش برعکس دیدن این قضیه و دیگر قضایا البته با ذهنیات ما هماهنگ است اما احتمالا نتیجه اش در عالم واقع به دهه ی شصت راه می برد همان جایی که پرولتاریا روشنفکرانش را سلاخی کرد.

کارگر: در صورت سراسری شدن اعتصاب قبل از گرسنگی کارگر کمر نظام سرمایه داری خواهد شکست. در شرایطی که تشکل های توده ای و سراسری و در نتیجه اتحاد طبقاتی وجود ندارد، اصلاح طلبی امکان بروز خواهد یافت. در ضمن این حکومت اسلامی بود که روشنفکران و پرولتاریا را سلاخی کرد.

گیسو شاکری: با درود، برقرار و پیروز باشید.

نشریه میلیتانت: انتشار نشریه را به شما تبریک می گوئیم.

کارگر: دست شما را به گرمی می فشاریم و روی تان را می بوسیم.

سوزان: خسته نباشید و دستتان درد نکند. آیا این نشریه در ایران منتشر می شود؟ نیاز به همکاری و ارسال مطلب دارید؟

کارگر: بله این نشریه در ایران منتشر می شود. کارگر دست تمام کسانی را که برای پیشبرد مطالبات جنبش کارگری تلاش می کنند به گرمی می فشارد.

بهروز فراهانی: با سلام و خسته نباشید. ما هم این بولتن را در پاریس منتشر کرده و در اختیار تمام احزاب چپ و اتحادیه ها قرار می دهیم.

کارگر: از این که Echo d'Iran صدای کارگران ایرانی را به گوش دیگر کارگران جهان می رساند خوشحالیم.

حمید قربانی: با سلامهای دوستانه به شما دست اندرکار نشریه کارگر، دوستان عزیز دست شما به خاطر مطالب و گزارشات کارگری که در شماره اول درج کرده اید، درد نکند. بگذارید اول و پیش از هر چیز دیگری تولد نشریه کارگر را به کارگران ایران تبریک بگویم که دارای یک صدای دیگری نیز شدند. راه را خوب انتخاب کرده اید، موفقیت و پیروزیتان که جز برآوردن خواسته های انسانیتان بعنوان تولید کنندگان اصلی نعم مادی، آرزومندم و خودم را در کنار شما و همراه شما می بینم. در سرمقاله کارگری-سوسیالیستی به قلم رفیق هما آذر به یک کمبود و یک برداشت یک سویه از یک تشکل ویژه بر خوردم.

الف: کمبود در این سرمقاله که تا اندازه ای می تواند، استراتژی نشریه و یا حداقل شماره اول را به خواننده انتقال دهد، به یک مانع اساسی در جنبش کارگری بخصوص و در کل جامعه ایران برخورد نشده است. آن لیبرالیسم در کل جامعه و گرایش لیبرالیستی در جنبش کارگری است که به نظر من رقیب گرایش سوسیالیستی و دشمن سرسخت کارگران و مدافع قرص و محکم سرمایه و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید است. به نظر من فعالین کارگری چپ و سوسیالیست بویژه در ایران برای ایجاد تشکل های کارگری برای مبارزه با سرمایه داران و دولت سرمایه، چاره ای جز پنجه نرم کردن با این دشمن دیرینه و تاریخی بین المللی بخصوص در شرایط کنونی ایران ندارند.

ب- برخورد یک سویه: در این نوشته جا به جا فقط از یک شکل مسخسی از تشکل کارگری، بدون اشاره به ماهیت تشکل کارگری و استراتژی حاکم بر آن اشاره می شود. آن سندیکاها کارگری است. اگر به این مسئله دقت کنیم که نقش سندیکاها کارگری و اتحادیه ها در سطح جهان و در طول تاریخ جنبش کارگری بیشتر برقراری صلح طبقاتی بوده است و نه وسیله پیشبرد مبارزه طبقاتی کارگران بر علیه سرمایه داران و این که چه ما دوست داشته باشیم و چه نداشته باشیم اکثر سندیکاها کارگری سه جانبه گرائی در دستور خود قرار داده و می دهند، آنگاه به خطر فقط تکیه کردن به سندیکا و تبلیغ آن می توانیم واقف شویم. من فکر می کنم که به جای این می باید، بیشتر به تشکل های مبارزه طبقاتی و ستیز طبقاتی پرداخته می شد. روی ماهیت تشکل و استراتژی حاکم بر تشکل یعنی صلح طبقاتی و یا مبارزه طبقاتی تکیه می شد.

کارگر: از لطف شما ممنون، البته ما هم با شما موافق هستیم که باید با